



«تأویل» بیان مراد حقیقی خداوند از آیات قرآن است

عضو هیئت علمی پژوهشگاه ضمن اشاره به تفاوت تفسیر و تأویل بیان کرد:

عضو هیئت علمی پژوهشگاه ضمن اشاره به تفاوت تفسیر و تأویل بیان کرد: بر اساس روش درون سیستمی یعنی کلام معصومانه تأویل یعنی بیان مراد حقیقی خداوند ولی تفسیر به معنای شرح کلام صادره از خداوند است.

به گزارش ایکننا، نشست «فهم تأویل با روش درون سیستمی» با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی اسدی نسب، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۲۸ شهریور در محل انجمن های علمی حوزه علمیه برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می خوانید؛

تأویل یک بحث بسیار قدیمی است و تقریباً همه کسانی که در عرصه علوم قرآن و تفسیر وارد شدند و همچنین همه مفسران با توجه به آیه ۷ سوره آل عمران در این زمینه سخن گفتند. اختلافات شدیدی در این زمینه وجود دارد اما هنوز مفسران و علوم قرآنی ها به معنای قابل قبولی که اکثریت قبول کنند، نرسیدند. مشکل کجاست؟ ما آیه داریم، روایات داریم، قواعد داریم، به نظر می رسد مشکل اصلی این است کمتر به روش فهم تأویل توجه شده است. با چه روشی می خواهیم تأویل را درک کنیم و تأویل تأویل یعنی چه؟ بهترین روشی که انتخاب کردیم تا از این اختلاف نجات پیدا کنیم فهم تأویل با روش درون سیستمی است. روش درون سیستمی چیست؟

روش درون سیستمی معنای خاصی دارد که تطبیقش بر بحث ما این می شود که ما بر اساس سیستم آیات و روایات ببینیم خود معصوم از تأویل چه چیزی قصد کرده است. برای اینکه بفهمیم در کلام معصومانه تأویل به چه معنایی است آیاتی که کلمه تأویل در آن ها به کار رفته و همچنین روایات مربوطه را بررسی و جمع بندی کنیم و قدر مشترک بگیریم. آن قدر مشترک معنای تأویل است. این بهترین راه و کم آسیب ترین راه است.

ما می خواهیم بفهمیم تأویل چیست. تأویلی که فقها یا مفسران یا روانشناسان یا فلاسفه به کار می برند برای ما مهم نیست ما می خواهیم معنای تأویلی که در آیات و روایات آمده است را بفهمیم. برای اینکه ما معنای تأویلی آیه یا روایتی را بفهمیم، باید ببینیم گوینده از تأویل چه چیزی اراده کرده است. تأویل اخص از تفسیر است

خلاصه نظر ما این است که با توجه به آیات و روایات تأویل اخص از تفسیر است. تفسیر یعنی توضیح یک آیه. توضیح یک آیه امکان دارد بیان مراد حقیقی خداوند باشد، امکان دارد نباشد؛ یعنی امکان دارد این ظاهر مقصود خداوند نباشد. پس اگر شما یک آیه یا روایتی را توضیح دادید، این تفسیر است، حال ممکن است منطبق با مراد حقیقی خداوند باشد یا نباشد؛ ولی تأویل اینگونه نیست، بلکه تأویل توضیحی است که به قصد تعیین مراد حقیقی خداوند بیان می کنید.

ما این معنا برای تأویل را از روایات گرفتیم. در بسیاری از روایات تأویل همان تفسیر معنا شده ولی در چند روایت بین معنای ظاهر و معنای تأویلی آیه تفکیک شده است و معنای تأویلی حمل بر مراد حقیقی شده است و گفته شده تأویل این آیه در تنزیلش نیست. من دو مورد را عرض می کنم. از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است: «قَامَا الَّذِي تَأْوِيلُهُ فِي تَنْزِيلِهِ قَهْوٌ كُلُّ آيَةٍ مُحْكَمَةٌ تَزَلَّتْ فِي تَحْرِيمِ شَيْءٍ مِنْ الْأُمُورِ الْمُتَعَارَفَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي أَيَّامِ الْعَرَبِ تَأْوِيلُهَا فِي تَنْزِيلِهَا فَلَيْسَ يُحْتَاجُ فِيهَا إِلَى تَفْسِيرٍ أَكْثَرَ مِنْ تَأْوِيلِهَا» یعنی گروهی [از آیات] که تأویلش در تنزیلش است، شامل تمامی آیات محکمی است که در تحریم چیزهایی است که در نزد عرب به صورت متعارف رواج داشته است. این آیات معنا و تنزیلش در ظاهرشان آمده و نیازی به تفسیری زاید بر آنچه در نزد عرب شناخته شده بود، ندارند. حضرت در این بیان می فرمایند تأویل این آیات همان تنزیلش است. این روایت دلالت دارد چون مراد خدا روشن است، مراد حقیقی با معنای ظاهری جملات یکی است.

در روایت دیگری حضرت می فرمایند: «وَ قَدْ أَعْلَمْتُكَ أَنَّ رَبَّ شَيْءٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَأْوِيلُهُ عَلَى غَيْرِ تَنْزِيلِهِ وَ لَا يُشْبِهُ كَلَامَ الْبَشَرِ وَ سَأْتِيكَ يَطْرُقُ مِنْهُ فَتَكْتَفِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ (ع) إِي دَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ قَدْ هَابَتْهُ إِلَى رَبِّهِ تَوَجُّهُهُ إِلَيْهِ عِبَادَةً وَ اجْتِهَاداً وَ قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ لَا تَرَى أَنَّ تَأْوِيلَهُ غَيْرُ تَنْزِيلِهِ» یعنی در کتاب خداوند عزوجل آیاتی هست که تأویل آن ها متفاوت از صورت تنزیل آن هاست و با گفتار و کردار آدمی همانند نیست. اکنون تو را از مثال shy& می دانم؛ هابی در این باره آگاه می shy& سازم و ان شاءالله تعالی تو را کفایت می shy& کند. یکی حکایت خداوند عزوجل از سخن ابراهیم (ع) است در آنجا که فرمود: من به

سوی پروردگار می روم، او مرا هدایت خواهد کرد. معنای رفتن او به سوی پروردگارش، همانا روی آوردن به سوی او در پرستش و کوشش است. حال دیدی که تأویل این سخن متفاوت از تنزیل آن است».

معنای این روایت این است که تنزیل این آیه مراد واقعی خداوند نبوده است و اینجا نیاز به تأویل دارد و شما نمی توانید به معنای ظاهری اکتفا کنید. به عبارت دیگر، در اینجا تأویل غیر از تنزیل است. لذا ما معتقدیم از همه این روایات این مسئله استنباط می شود که تأویل نوعی تفسیر است ولی تفسیر اعم است یعنی ممکن است معنای ظاهری را بیان کند بدون اینکه مراد خداوند باشد، ممکن است معنای ظاهری را بیان کند و مراد خداوند باشد.

یکی از مسائل دیگر این است که چه تفسیر و چه تأویل مشکک است، یعنی اگر شما مصداقی برای آیه ذکر کنید، نوعی تفسیر است یا نوعی تأویل یا حتی اگر بخشی از معنا را ذکر کنید، نوعی تفسیر است ولی تفسیر و تأویل کامل نیست. تفسیر و تأویل امر مشککی است و شامل گروهی از مصادیق و معانی مختلف است که امکان دارد ناقص باشد، امکان دارد کامل باشد ولی هم در عرف و هم در روایات بر آن ها تفسیر و تأویل اطلاق می شود.

بنابراین با توجه با آیات و روایات می توانیم بگوییم بر اساس روش درون سیستمی یعنی کلام معصومانه تأویل یعنی بیان مراد حقیقی خداوند ولی تفسیر به معنای شرح کلام صادر از خداوند است. روش درون سیستمی درست است اما کامل نیست

در ادامه نشست، حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر بابایی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان ناقد سخن گفت که گزیده آن را در ادامه می خوانید؛

اولین نکته این است که روش درون سیستمی چیز جدیدی نیست و منظور از درون سیستمی یعنی به کاربردهای این کلمه در قرآن و روایات توجه کنیم و بر اساس آن تأویل را معنا کنیم. علامه طباطبایی در المیزان موارد کاربرد تأویل را در قرآن آورده و بعد نتیجه گیری کرده است. البته ایشان به روایات کمتر توجه کرده ولی موارد کاربرد آن در آیات را بررسی کرده است.

پس روشی که شما پیشهاد کردید روش درستی است و قبلا هم مطرح بوده و کار شده است. اینکه فرمودید با این روش اختلافات برطرف می شود، به نظر من ممکن است برطرف نشود چون ممکن است استنباط هر کسی از آیات و روایات متفاوت باشد. البته اصل روش درست است و باید انجام بگیرد و در کنار آن باید لغت را هم دید، عرف عرب را هم دید.

به نظر من اگر شما عنوان مقاله را فهم تأویل قرآن با تأمل در کاربردهای قرآنی و روایی می گذاشتید هم شفاف تر بود و نیاز به توضیح نداشت و هم با واقعیت انطباق بیشتری داشت یعنی شما نمی توانید منحصر از آیات و روایات استفاده کنید بلکه باید مفهوم عرفی را هم در نظر بگیرید.